

### مشروطه در دوره ی محمدعلی شاه

در این درس با مشکل‌های موجود بر سر راه اولین دوره ی مجلس شورای ملی، و کارشکنی‌های محمدعلی شاه در این مورد و همچنین، جریان‌های سیاسی - فکری حاکم بر مجلس و دولت آشنا می‌شوید.

#### محمدعلی شاه



محمد علی شاه قاجار

بعد از مظفردالدین شاه، ولیعهد او، محمدعلی میرزا، با عنوان محمدعلی شاه، به سلطنت رسید. محمدعلی شاه، یکی از شاهان خودکامه‌ی دوره ی قاجار بود که نمی‌خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملی تمکین کند. او در ۲۸ دی ماه ۱۲۸۵ جشن تاج‌گذاری بر پا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. این، اولین بی‌اعتنایی محمدعلی شاه به مجلس بود. او ملت را بنده و برده‌ی خود می‌پنداشت و نمایندگان مجلس را برای دخالت در امور کشور و مشورت در سیاست، لایق نمی‌دانست.<sup>۱</sup>

پس از این ماجرا، کشمکش محمدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست. اما این، تنها مشکل نظام تازه تولد یافته‌ی مشروطه نبود. بلکه این نظام، دشواری‌هایی اساسی‌تر پیش‌رو داشت، که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

۱- ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، ص ۲۲۰.

## تدوین متمم قانون اساسی، و شدت گرفتن اختلافها

قانونی که در زمان مظفرالدین شاه به نام «قانون اساسی» تنظیم شد، دارای ضعف‌های زیادی بود. این قانون در پنجاه و یک اصل تنظیم شده بود و در حقیقت نظام‌نامه‌ای بود که اداره‌ی امور مجلس و حدود آن را روشن می‌ساخت. در این قانون، از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین، لازم بود متممی بر آن نوشته و تکمیل می‌شد. به همین سبب، کمیسیونی متشکل از شش تن از نمایندگان، برای تدوین «متمم قانون اساسی» تشکیل شد.<sup>۱</sup>

### برگی از تاریخ



علامه نائینی (۱۳۱۵-۱۲۳۹ ش)

میرزا محمد حسین نائینی در یک خانواده‌ی مشهور و محترم در شهر نائین چشم به جهان گشود و پس از طی تحصیلات مقدماتی، در پانزده سالگی عازم اصفهان شد. پس از ده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، عازم عتبات عالیات شد و در سامرا از محضر میرزا محمدحسن شیرازی بزرگ کسب فیض کرد. دو سال پس از درگذشت میرزای شیرازی به کربلا رفت و بعد از دو سال اقامت در آن شهر، عازم نجف اشرف شد و در آن شهر مشغول تحقیق و تدریس گردید. او یکی از بزرگ‌ترین و نامورترین مراجع عصر خویش و یکی از محققان بزرگ در اصول فقه بود. به حدی که او را «احیاگر علم اصول» و نوآور در آن نامیده‌اند.

از وی آثاری متعدد بر جای مانده است که یکی از معروف‌ترین آن‌ها کتاب مشهور «تنبیه‌الأمه و تنزیه‌المله» است. این کتاب برای آگاهی مردم از انواع استبداد و خودکامگی پادشاهان به رشته‌ی تحریر درآمده و نظام مشروطه را از نظر مذهب شیعه بررسی کرده است. بنابراین، او یکی از رهبران فکری نهضت مشروطه، و به تعبیری، نظریه‌پرداز آن به شمار می‌رود.

با تلاش‌های پیگیر و مجاهدت‌های فراوان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اصل دوم متمم قانون اساسی تصویب شد که مورد تأیید علمای ایران و مراجع بزرگ نجف قرار گرفت. بنابراین اصل، در هر

۱- اعضای کمیسیون عبارت بودند از: سعدالدوله، نماینده‌ی اعیان تهران؛ حاج امین‌الضرب، نماینده‌ی تجار؛ حاج سیدنصرالله سادات

اخوی، نماینده‌ی علما؛ سیدحسن تقی‌زاده، نماینده‌ی تبریز؛ مشارالملك و مستشارالدوله (ن. ک: تاریخ مشروطه، ص ۲۲۴).

دوره از مجلس، هیئتی پنج نفره از مجتهدان و فقیهان اسلام که با اقتضاهای زمان آشنا بودند، به عنوان عضو، در مجلس شورای ملی شرکت می‌کردند، تا بر قانون‌هایی که تدوین و تصویب می‌شد، نظارت کنند که خلاف قواعد اسلامی و دستوره‌های شرع نباشد.<sup>۱</sup> در هیچ یک از دوره‌های مجلس شورای ملی به این اصل عمل نشد.

### فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا شیخ فضل‌الله نوری به اجرای این اصل اصرار داشت؟

در فاصله‌ای که متمم قانون اساسی تدوین می‌شد، اختلاف درونی مشروطه‌خواهان از یک سو و مخالفت محمدعلی شاه با نظام مشروطه از سوی دیگر، اوضاع را آشفته و پریشان ساخته بود. تا آن‌که سرانجام شیخ فضل‌الله نوری به دلیل اعمال نفوذ غرب‌گرایان در نهضت مشروطه و انحراف آن از مسیر اسلامی و ملی اولیه از صف طرفداران مشروطه جدا شد. او معتقد بود که باید «مشروطه‌ی مشروعه» ایجاد شود.

### خودداری محمدعلی شاه از امضای متمم قانون اساسی

بی‌اعتنایی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمم قانون اساسی مشروطه، رخ داد. هنگامی که متمم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. این برخورد، مردم را به هیجان آورد؛ بازارها بسته شد، و چندین هزار نفر به سوی مجلس هجوم آوردند. مردم شهرهای دیگر همچون تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و کرمان نیز با مردم تهران هم‌صدا شدند. مراجع تقلید، از نجف اشرف، طی تلگراف‌هایی، به نصیحت شاه پرداختند. در چنین شرایطی، شاه، در شهریور سال ۱۲۸۶، به ناچار، متمم قانون اساسی را امضا کرد.

### اهداف انگلستان و روسیه برای مداخله در نهضت مردم

روس و انگلیس در مواجهه با نهضت مشروطه، با توجه به منافع استعماری خود، با همدیگر تضاد

۱- ن. ک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ ترکمان، مجموعه رسائل و اعلامیه‌ها و مکتوبات شیخ فضل‌الله نوری،

ج ۱، ص ۱۳؛ روزنامه‌ی صبح صادق، شماره‌ی ۴۸، سال اول، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق.

داشتند. روسیه به چند دلیل با نهضت مشروطه‌ی ایران مخالفت می‌کرد:

- ۱- جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه‌خواهی، از مشروطه‌طلبان حمایت می‌کرد.
- ۲- کمک به محمدعلی شاه که طرفدار روس بود.
- ۳- پیش‌گیری از قیام ملت‌های منطقه‌ی قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه‌خواهان در ایران

انگلیس هم برای حمایت از مشروطه، دلایلی داشت:

- ۱- افزایش اعتبار خود در ایران، برای دستیابی به موقعیتی بهتر یا برابر با روسیه
  - ۲- به قدرت رساندن مهره‌های انگلیسی در دستگاه حاکم و مجلس؛
- کمک‌های بی‌دریغ انگلیس به بست‌نشینان در سفارت این کشور در تهران، و تحت حمایت قرار دادن نزدیک به چهارده هزار نفر در سفارت، به همین دلیل صورت گرفت.<sup>۱</sup>
- ۳- محافظت از مرزهای هندوستان و سایر مستعمرات انگلستان در منطقه.<sup>۲</sup>

## قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

با وجود رقابت‌های شدیدی که میان روس و انگلیس در ایران وجود داشت، موضوع جدیدی آن‌ها را وادار به رفع اختلاف‌ها و توافق در مورد ایران کرد. این موضوع جدید حضور آلمان به عنوان یک قدرت جدید در صحنه سیاست جهان بود. با در خطر قرار گرفتن مستعمره‌های روس و انگلیس در جاهای دیگر دنیا، توسط استعمارگر جدید یعنی آلمان، آن‌ها اختلاف‌ها را کنار گذاشتند و به‌موجب قرارداد ۱۹۰۷، ایران را بین خود تقسیم کردند.<sup>۲</sup> بر اساس این قرارداد روس و انگلیس، با پادرمیانی فرانسه که از قدرت روزافزون آلمان بیمناک بود، ایران را به سه منطقه تقسیم کردند: منطقه‌ی شمال، از خط فرضی بین قصر شیرین، اصفهان، یزد، خواف و مرز افغانستان، حوزه‌ی نفوذ روسیه شناخته شد. منطقه‌ی جنوب، از خط فرضی بین بندرعباس، کرمان، بیرجند، زابل و سرحدات افغانستان که

---

۱- ن. ک: معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۸۷ و ۱۰۸؛ شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ص ۸۲؛ رابین،

انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت، ص ۸۷؛ ملک‌زاده، انقلاب مشروطیت ایران؛ ص ۶۰.

۲- رنیوف، انقلاب مشروطیت ایران، ص ۵۸؛ هم‌چنین ن. ک: کرمانی، تاریخ انحلال مجلس، ص ۲۵.

۳- قبل از آن، فرانسه و انگلستان برای جلوگیری از نفوذ آلمان، در آفریقا به تفاهم رسیده و اختلاف‌های خود را در شمال این قاره حل کرده بودند. بنابراین در آسیا هم با پادرمیانی فرانسه، دولت‌های انگلیس و روس، این قرارداد را امضا کردند که شامل سه توافق‌نامه بود: در توافق‌نامه‌ی اول، افغانستان در منطقه‌ی نفوذ انگلستان قرار گرفت. طبق قرارداد دوم، تبت جزء منطقه‌ی نفوذ روسیه شناخته شد. براساس قرارداد سوم، ایران تقسیم شد (برای کسب اطلاع بیش‌تر ن. ک. به: کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، فصل هفتم.)



نقشه‌ی تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

دارای ارزش حیاتی برای دفاع از هند بود، قلمرو نفوذ انگلستان مقرر گردید. قسمت سوم که شامل کویرها و بیابان‌های بی‌آب و علف بود، منطقه‌ی بی‌طرف و متعلق به ایران شناخته شد. منظور از این کار هم آن بود که دو دولت تا حدودی از یکدیگر فاصله بگیرند و از برخوردهای احتمالی بین آن‌ها، جلوگیری شود.

### اقدام انقلابی مردم و مجلس

پس از این‌که قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد، سفیران روس و انگلیس، رسماً دولت ایران را از آن قرار داد با خبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس، به اتفاق آراء، قرارداد را رد کردند. مجلس، قبل از آن نیز دریافت وام از دولت‌های خارجی را

رد و برای حل این مشکل، به تأسیس «بانک ملی» اقدام کرده بود. به علاوه، نوز بلژیکی را که پست مهم مالی ایران در دست او بود، اخراج کرده بود. این اقدام‌های انقلابی، برای دولت‌های استعمارگر، زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل، برای سرکوب مجلس، به توافق رسیدند و هنگامی که محمدعلی شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود، به آن رضایت داد.

### به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر

کشمکش بین محمدعلی شاه و مجلس، پس از امضای متمم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطه خواهان، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را که از مخالفان جدی مشروطه بود و در اروپا به سر می‌برد، به کشور دعوت کرد، تارباست دولت را به او بسپارد و به کمک وی، دوباره نظام استبدادی را حاکم سازد. امین‌السلطان، با تدبیرهای امنیتی و حمایت روس‌ها، وارد ایران و به عنوان نخست وزیر منصوب شد.<sup>۱</sup>

او که در دوره‌ی نخست وزیری خود، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود، سرانجام توسط یکی از طرفداران مشروطه ترور شد. چندی بعد محمد علی شاه در یکی از خیابان‌های تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید<sup>۲</sup> شاه، این اقدام را به مشروطه‌خواهان نسبت داد و به همین بهانه، تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین، در تیر ماه ۱۲۸۷، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمد علی شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملی را صادر کرد. لیاخوف روسی فرماندهی نیروهای قزاق به فرمان محمد علی شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله‌های توپ تخریب کرد.<sup>۳</sup> به دنبال آن، تمام خانه‌های مشروطه‌خواهان غارت شد و مأموران به دستگیری آنان پرداختند. آیت‌الله سیدمحمد

۱- تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۳۲۲.

۲- ن. ک: روزنامه حبل‌المتین، مورخ ۲۷ محرم ۱۳۲۶، شماره ۲۴۰، ص ۳، اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۲۳۳؛ ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳، ص ۲۰۵-۱۶۳؛ کسروی، تاریخ مشروطه، ج ۱، ص ۵۴۲-۵۴۳؛ رضا زاده ملک، حیدرخان عمو اوغلی، ص ۱۲۰-۱۲۲.

۳- راجع به همکاری روسیه با محمدعلی شاه، ن. ک: معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ص ۱۰۸؛ بمباران مجلس شورای ملی، حکومت تزار و محمد علی شاه خاطرات ن. پ، مامونتف: ص ۱۵۱-۱۵۴؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری، ج ۴، ص ۱۳۷-۱۳۸ و ۱۵۶-۱۵۷؛ اعظام قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۳؛ ملک‌زاده، همان، ج ۴، ص ۸۲۷؛ کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ص ۶۳.



ساختمان مجلس شورای ملی پس از به توپ بستن توسط  
لیاخوف در ایام مشروطیت

طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی، توسط قزاق‌ها دستگیر، شکنجه و تبعید شدند. به دستور شاه، میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل، ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ اعدام شدند. بعضی از نمایندگان نیز که مورد تعقیب قرار گرفته بودند (از جمله تقی‌زاده)، به سفارت انگلیس پناه بردند.<sup>۱</sup> بدین گونه، دوباره، برای مدتی، استبداد حاکم شد. این دوره که یک سال به طول انجامید بار دیگر استبداد به جای مشروطیت حاکم شد. از این رو آن را دوره‌ی استبداد صغیر نامیده‌اند.

## مقاومت مردم

پس از به توپ بستن مجلس، جمعی از غرب‌گرایان که داعیه‌ی مشروطه‌خواهی و وطن‌دوستی داشتند، از هر طریق ممکن، خود را به اروپا رساندند و در شهرهای پاریس، لندن، استانبول و کشور سوئیس، محفل‌هایی سیاسی به راه انداختند، اما مردم و علما، در داخل کشور به مقاومت پرداختند. مقاومت اصلی از تبریز آغاز شد و دو تن از مجاهدان نام‌آور آن خطه به نام‌های ستارخان و باقرخان، بیش از نُه ماه در برابر دشمنان مشروطه مقاومت کردند. آنچه آنان را در هدف‌هایشان پابرجا نگاه می‌داشت، حمایت مراجع تقلید مقیم نجف از مشروطه بود. آیت‌الله محمدکاظم خراسانی، آیت‌الله سیدعبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزاخلیل تهرانی، از مشروطه‌خواهان در برابر حکومت استبدادی محمدعلی شاه حمایت می‌کردند.<sup>۲</sup>

با مقاومت مردم تبریز و ایستادگی رهبران دینی و ملی، مردم فارس، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، گیلان، همدان و برخی دیگر از شهرها، وارد صحنه‌ی مبارزه شدند و حکومت استبدادی را سخت

۱- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۴، ص ۲۸۷-۲۹۱؛ حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱۰۹؛ مدنی، تاریخ سیاسی

معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۴، ص ۱۵۷-۱۶۰؛ ملک‌زاده، همان، ج ۴، ص ۷۷۲-۷۷۷ و ۸۲۹.

در تنگنا گذاشتند. محمدعلی شاه که در برابر مقاومت مردم تبریز در مانده بود، با فراگیر شدن خیزش، ناتوان تر شد. سرانجام نیروهای مردمی هوادار مشروطه از اصفهان و بختیاری و گیلان، راهی تهران شدند. سیاست روس و انگلیس در این زمان، مبتنی بر حفظ محمدعلی شاه بود.<sup>۱</sup> سرانجام در تیرماه سال ۱۲۸۸ هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.<sup>۲</sup>

## بیش تر بدانید

### نقش زنان در انقلاب مشروطیت

زنان ایرانی در بسیاری از نهضت‌های تاریخ معاصر ایران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. علاوه بر نقش تاریخی زنان در نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه نیز، زنان به کارهای خردمندانه‌ای دست زدند. اکثر فعالیت‌های آنان برگرفته از هویت ایرانی اسلامی بوده است. به عنوان نمونه در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند. پس از صدور فرمان مشروطه زنان به مجلس رفتند و خواستار تکمیل قانون اساسی توسط نمایندگان شدند. زنان به هنگام تأسیس بانک ملی با اهدای طلا و زیورآلات شخصی خود بخشی از سرمایه‌ی بانک ملی را تهیه کردند و پس اندازهای خود را در اختیار دولت گذاشتند تا این امر ملی به دور از دست خارجی‌ان و استقراض از آن‌ها انجام شود.

زمانی که مشروطه خواهان تصمیم گرفتند با تحریم کالاهای وارداتی و استفاده از کالاهای داخلی مشکلات اقتصادی جامعه را حل کنند، زنان ایرانی برای تقویت اقتصاد و حمایت از صنایع داخلی، و کالاهای بومی و عدم خرید کالاهای وارداتی، نقش داشتند. در هنگام به توپ بستن مجلس، زنان جرأت یافتند که جسد مجاهدین و مبارزان را از زمین بردارند. در هنگام محاصره‌ی تبریز توسط نیروهای دولتی، زنان در پشت جبهه خدمات متعددی از جمله تهیه غذا و لباس برای مجاهدان، پرکردن پوکه‌های خالی فشنگ و پرستاری از مجروحان را به عهده داشتند. آنان همچنان با فروش زیورآلات قیمتی و دارایی‌های شخصی خود، بخشی از هزینه‌های مبارزاتی و تبلیغاتی را تأمین می‌کردند.<sup>۳</sup>

۱- ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، ص ۳۷۲-۳۷۳. و ۴۰۰؛ ملک زاده، همان، ج ۶، ص ۱۱۹۹-۱۲۰۰ و ۱۲۱۲-۱۲۱۴.

۲- ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، ص ۴۹۴؛ اعظام قدسی، همان، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۳؛ ملک زاده، همان، ج ۶، ص ۱۲۳۳؛

مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۸.

۳- جهت اطلاع بیشتر ن. ک: ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش دوم، ص ۲۲۲-۳؛ دولت آبادی، حیات یحیی،

ج ۲، ص ۳۷۵؛ جبل المتین، سال ۱۶ ش ۳۳. صفر ۱۳۲۷، ص ۱۸؛ کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۳۱۵؛ شوستر، اختناق ایران، ص ۲۳۸؛

محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۷۲؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۲۰۵-۲۰۶.



## پرسش‌های نمونه

- ۱- دو مورد از بی‌اعتنایی‌های محمد علی شاه نسبت به نظام مشروطه و نمایندگان مجلس شورای ملی را ذکر کنید.
- ۲- اصل دوم متمم قانون اساسی درباره‌ی چه موضوعی بود؟
- ۳- دولت روسیه به چه دلایلی با انقلاب مشروطه ایران مخالفت می‌کرد؟
- ۴- روسیه و انگلستان براساس قرارداد ۱۹۰۷ چرا و چگونه ایران را میان خود تقسیم کردند؟
- ۵- نمایندگان اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی در قبال سیاست‌های استعماری روس و انگلیس چه تصمیماتی گرفتند؟

## اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره‌ی زندگی و مبارزات مشروطه‌خواهی ستارخان و یا باقرخان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی جریان فتح تهران توسط مجاهدان هوادار مشروطه، گزارشی تهیه کنید.

### دوره‌ی دوم مشروطه (۱۲۹۳-۱۲۸۸ ش)

در این درس با اوضاع کشور پس از سقوط و فرار محمدعلی‌شاه و تسخیر تهران و به شهادت رسیدن آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و نیز ادامه‌ی مداخله‌های روسیه و انگلیس برای تداوم سلطه بر ایران آشنا خواهید شد.

دوره‌ی دوم مشروطه یکی از برهه‌های مهم تاریخ معاصر ایران است. این دوره با فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان آغاز شد و دارای دو ویژگی بارز بود:

- ۱- اختلاف‌های شدید بین طرفداران مشروطه
- ۲- مداخله‌های آشکار و سلطه‌گرانه‌ی روس و انگلیس در سرنوشت ایران



#### قدرت گرفتن جریان جدید در انقلاب مشروطه و اختلاف‌های داخلی

پس از فتح تهران مجلسی فوق‌العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملی، تشکیل شد و به اتفاق آرا، محمدعلی‌شاه از سلطنت خلع و پسر دوازده ساله‌ی او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد. چون احمدشاه به سن قانونی سلطنت نرسیده بود، شاهزاده عضدالملک، بزرگ خاندان قاجار، به عنوان «نایب السلطنه» انتخاب شد.<sup>۱</sup>

احمد شاه

۱- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۵، ص ۴۹۴-۴۹۷.

## بیش تر بدانید

ملک‌زاده - یکی از تاریخ نویسان آن عصر (فرزند ملک‌المکلمین) - نوشته است: «هرگاه فرصت اجازه می‌داد که اسامی پانصد نفر اعضای مجلس عالی را از نظر خوانندگان بگذرانم، مشاهده می‌شد که عده‌ی زیادی از کرسی‌نشینان باغشاه و مشاورین و همدستان محمدعلی‌شاه که دستشان آغشته به خون آزادی خواهان بود، لباس مشروطه‌خواهی دربرکرده و در صدر مجلس عالی جای گرفته بودند و سهیم و شریک در زمامداری حکومت ملی بودند و هنوز بیست و چهار ساعت از فتح تهران نگذشته بود که کسانی که باید به دار آویخته می‌شدند، دوش به دوش نایب‌السلطنه و سرداران ملی، به رتق و فتق امور پرداختند»<sup>۱</sup>.

پس از آن که دولت جدید تشکیل شد و جمعی از مستبدان و مرتجعان به وزارت و حکمرانی و سایر مقام‌های دولتی رسیدند، آتش خشم مشروطه‌خواهان تبریز شعله‌ور و ناخرسندی آنان علنی شد. افرادی نظیر ستارخان و باقرخان و جمعی دیگر از طرفداران مشروطه که برای نهضت فداکاری و مجاهدت کرده بودند، چون ملاحظه کردند که مستبدان دوره‌ی استبداد و دشمنان دیروز مشروطه، دوباره زمامدار مملکت شدند، بسیار ناخشنود و معترض بودند.

آنان هم چنین خواستار اخراج افراد تندرو و افراطی نظیر تقی‌زاده از مجلس بودند.<sup>۲</sup>

## شهادت شیخ فضل الله نوری

با پیروزی مشروطه‌خواهان، انتظار می‌رفت دشمنان واقعی نهضت، مجازات شوند و کیفر ببینند اما آنان که دستشان به خون آزادی خواهان آغشته بود، رها شدند و محمدعلی‌شاه نیز، با حمایت روس و انگلیس، بدون محاکمه و حتی با پرداخت حقوق سالیانه راهی بندر اُدسا در روسیه شد. آنگاه، - همان‌گونه که اشاره شد - دشمنان نهضت، در صف اول آن قرار گرفتند و در زمامداری و حکومت، شریک شدند. تنها کسی که به پای میز محاکمه رفت و اعدام شد، شیخ فضل الله نوری، مجتهد طراز اول تهران بود که به دفاع از «مشروطه‌ی مشروعه» و قانون اساسی بر پایه‌ی ارزش‌های اسلامی، با مشروطه‌ی اقتباسی شده از غرب، مخالفت کرده بود.

در این هنگام، سفارت روسیه از ایشان خواست که به آن‌جا پناهنده شود، یا چند نفر سرباز روسی به منزلش بروند و او را در پناه خود بگیرند. شیخ فضل الله نوری هیچ‌یک از این‌ها را نپذیرفت

۱- ن. ک: «تاریخ مشروطیت ایران»، ص ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵.

۲- کسروی، دنباله تاریخ مشروطه، ص ۱۳۱-۱۳۲.

و گفت: «در مقابل مشیت و اراده‌ی الهی، تسلیم صرف است»<sup>۱</sup>.

هم‌چنین، در پاسخ برخی از کسانی که به او پیشنهاد می‌کردند که به بیگانه پناهنده شود، اظهار داشت: «من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و کشته شوم اما پناهنده به اجنبی نشوم و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتاری نکرده باشم»<sup>۲</sup>.

پیرم‌خان ارمنی که پس از پیروزی مشروطه خواهان، با فرصت‌طلبی مدارج ترقی را به سرعت طی کرده بود، مأمور دستگیری شیخ فضل‌الله نوری شد. این عالم روحانی پس از یک محاکمه‌ی فرمایشی، به شهادت رسید.

به نظر بسیاری از مورخان شهادت شیخ فضل‌الله نوری، یکی از فجیع‌ترین اعمال مشروطه‌خواهان بود. عده‌ای اعدام او را انتقام استعمار از روحانیت ایران برای جبران شکست در نهضت تحریم تنباکو و پیشگیری از تکرار مقاومت‌های مشابه آن می‌دانند.<sup>۳</sup>

## برگی از تاریخ

### شهید شیخ فضل‌الله نوری (۱۲۲۲-۱۲۸۸ ش)



حاج شیخ فضل‌الله کجوری، معروف به نوری، فرزند ملاعباس، در سال ۱۲۲۲ ش. متولد شد. او پس از تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل آن به عراق رفت و در زمردی شاگردان برجسته‌ی میرزا محمدحسن شیرازی قرار گرفت. وقتی به تهران برگشت، مقام علمی و فقهی او در مقایسه با علمای هم‌عصر خود در ایران، بالاترین بود. او با جدایی دین از سیاست که در آن ایام تحت تأثیر افکار غربی و توسط عوامل استعمار در ایران تبلیغ می‌شد، شدیداً مخالف و ورزید. در جریان نهضت تنباکو به عنوان

- ۱- تندرکیا، مجله شاهین، ص ۲۲۹؛ بامداد، رجال ایران، ج ۱، ص ۵۵-۵۷؛ ادب هروی خراسانی، تاریخ بیدایش مشروطیت ایران، ص ۱۴۲؛ بهمنی، فاجعه قرن، ص ۱۶۳؛ دانشور علوی، تاریخ انقلاب مشروطه و جنبش وطن‌پرستان بختیاری، ص ۱۶۲.
- ۲- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۲۹۸-۳۰۳؛ «شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت»، ص ۱۵۸.
- ۳- ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۵، ص ۱۰۹؛ حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱۵۸؛ طبری، «جامعه ایران در دوران رضاشاه»، ص ۱۰۶؛ صفایی، «رهبران مشروطه»، ص ۲۲۷؛ اعظم قدسی، خاطرات من، ج ۱، ص ۲۲۳؛ بامداد، رجال ایران، ج ۳، ص ۱۰۵.

نماینده‌ی میرزای شیرازی عمل می‌کرد و به حمایت جدی از این نهضت پرداخت. وی در اوایل مشروطه، از پیشگامان این نهضت بود ولی پس از چندی بی‌برد که دست‌هایی پلید، در حال باعمال کردن خون‌های ریخته شده در راه این نهضت و قطع پیوندهای مشروطه با اسلام هستند. بنابراین مخالفت خویش را با مشروطه‌ی غیرمشروطه اعلام و بر مشروطه‌ی مشروطه پا فشاری کرد و عاقبت جان بر سر آن گذاشت. جلال‌آل احمد درباره‌ی او گفته است: «من نعش آن بزرگوار را بر سردار، همچون پرچمی می‌دانم که به علامت استیلا‌ی غرب‌زدگی، پس از دویست سال کشمکش، بر بام سرآی این ملت افراشته شد»<sup>۱</sup>.

## تشدید اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان

به دنبال اعدام شیخ فضل‌الله نوری و تشکیل دومین دوره‌ی مجلس شورای ملی، اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان شدت گرفت. دو حزب «اعتدالیون» و «دمکرات» که اکثریت نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دادند، شدیداً با یکدیگر رقابت فکری و سیاسی داشتند. اعتدالیون مذهب را سدی محکم در برابر ظلم و بی‌عدالتی می‌دانستند و اجرای شریعت را در دستور کار خود قرار داده بودند. سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی از اعضای سرشناس این حزب بودند.

دمکرات‌ها به رهبری سید حسن تقی‌زاده بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌ورزیدند تا مشروطه را از جنبه‌های دینی تهی کنند و نهضت را از آرمان‌های اصیل آن دور سازند. با شدت گرفتن درگیری‌های سیاسی، به تدریج، جوّ وحشت و ترور بر جامعه حاکم گردید. نخست سید عبدالله بهبهانی که نقشی مهم در رهبری نهضت مشروطه داشت، توسط دمکرات‌ها ترور شد. تقی‌زاده که متهم به دست داشتن در این ترور بود<sup>۲</sup>، از کشور گریخت و به اروپا رفت.<sup>۳</sup> به فاصله‌ای کوتاه، چند تن از دمکرات‌ها ترور شدند.<sup>۴</sup>

۱- آل احمد، «غریزدگی»، ص ۷۸.

۲- سید عبدالله بهبهانی توسط چهار نفر که به اشاره‌ی حیدر عمو اوغلی و سران دموکرات و کمیته‌ی دهشت و تقی‌زاده فرستاده شده بودند، به قتل رسید. (احتشام السلطنه، خاطرات، ص ۶۵؛ صفایی، رهبران مشروطه، ص ۲۸) هر چند تقی‌زاده این اتهام را رد کرده است. (تقی‌زاده، خاطرات، ص ۱۴۴) اما به گفته‌ی کسروی: اگرچه کشندگان به نام شناخته نشدند، ولی بی‌گمان از گروه حیدر عمو اوغلی بودند و این کار را به دستور تقی‌زاده انجام دادند. (کسروی، تاریخ هجده ساله‌ی آذربایجان، ص ۱۳۰). دولت‌آبادی یکی از علت‌های قتل بهبهانی را دستکاری وی در صدور حکم تکفیر تقی‌زاده توسط علمای نجف خوانده است. (دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۱۳۶).

۳- شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه، در روزگار، ج ۲، ص ۵۳۵؛ ملک‌زاده، «تاریخ انقلاب مشروطیت»، ص ۱۳۳۳-۱۳۳۷؛ افشار، اوراق تازه‌یاب مشروطه، ص ۲۰۸.

۴- برای دریافت اطلاع بیشتر، ن. ک: بهار، «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران»، ج ۲، ص ۱۰-۱۲.

## ستارخان سردار ملی

ستارخان از اهالی ارسباران و ساکن تبریز بود. او به همراه باقرخان، سالار ملی، مدافعان مشهور تبریز در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه در دوره‌ی استبداد صغیر بودند. ستارخان اول کسی بود که مردم را به مقاومت دعوت کرد و چندین ماه با قوای دولتی درگیر شد و نگذاشت تبریز به دست مستبدان بیفتد. او در اصل از پایین‌ترین طبقات اجتماعی و دارای خوی عیّاری و جوانمردی بود.

ستارخان و باقرخان به دعوت تلگرافی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، مرجع تقلید بزرگ شیعیان جهان، در روز هشتم ربیع‌الاول ۱۲۸۸ ق به تهران آمدند و مردم پایتخت استقبال گرمی از آنها به عمل آوردند اما درگیر و دار اختلاف‌های حزبی و جناحی در واقعه‌ی خلع سلاح گروه‌ها در ۳۰ رجب سال ۱۲۸۸ ق ستارخان که به اتفاق تفنگچی‌های همراهش، در پارک اتابک، توسط نیروهای بیرم‌خان ارمنی، محاصره شده بودند، پایش تیر خورد و سرانجام در ۲۸ ذی‌الحجه‌ی سال ۱۲۹۲ ق در اوایل جنگ جهانی اول، دارفانی را وداع گفت.

معروف است که وقتی در جریان مبارزه‌های تبریز عرصه بر او تنگ شد، کنسول روس پیام داد که پرچم روس را بالای خانه‌اش نصب کند. او پاسخ داد: «ژنرال کنسول؛ من می‌خواهم که هفت دولت به زیر بیرق دولت ایران بیایند. من زیر بیرق بیگانه نمی‌روم.» و این مشابه پاسخی بود که مرحوم شیخ‌فضل‌الله به پیام سفارت روس داد.



## مجلس نوپای مشروطه و مداخله‌ی بیگانگان

طبق تصمیم مجلس شورای ملی، عده‌ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح اداره‌ی دارایی و

خزانه‌داری کل، یک فرانسوی برای دادگستری، و چند سوئدی برای ژاندارمری، استخدام شدند<sup>۱</sup>. مورگان شوستر آمریکایی، معروفترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاح‌هایی دامنه‌دار در امور مالی و گمرک‌ها کرد. این اقدام او که سبب منظم‌شدن دستگاه اقتصادی کشور می‌شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین، در سال ۱۲۹۰ ش. روسیه، طی خطاری به دولت ایران، تهدید کرد که اگر ظرف چهل و هشت ساعت به خواسته‌هایش عمل نشود، به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست‌های روسیه به این شرح بود:

- ۱- اقدام‌های مورگان شوستر متوقف و او از ایران اخراج شود.
  - ۲- بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران، خودداری شود.
  - ۳- هزینه‌ی لشکرکشی قوای روسیه به ایران را، دولت ایران پرداخت کند.
- با به پایان رسیدن مهلت چهل و هشت ساعته، روسیه، بلافاصله، نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد.<sup>۲</sup> اخطار روسیه، بحرانی بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی، اوج گرفت.
- مجلس اخطار روسیه را رد کرد ولی صمصام‌السلطنه، نخست وزیر، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه‌جویی دولت‌های روس و انگلستان و دخالت‌های آن‌ها در اداره‌ی کشور مانع از آن شد تا مجلس نوپای مشروطه بتواند برای سروسامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام مؤثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی در ایران و عتبات عالیات، طی تلگراف‌هایی، مردم را به مقاومت دعوت کردند.<sup>۳</sup> آیت الله آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعه‌ی مقیم عراق، تصمیم گرفت به سوی ایران حرکت کند، تا مردم را برای مقاومت در برابر زورگویی بیگانه، بسیج کند. او همراه جمع انبوهی از عشیره‌های شیعه‌ی عراق، آماده‌ی عزیمت به ایران شد اما در همان شب قبل از حرکت، به طرزی مشکوک، از دنیا رفت.<sup>۴</sup>

---

۱- در آن زمان آمریکا هنوز خوی سلطه‌جویانه‌ی آشکاری را که پس از جنگ دوم جهانی در پیش گرفته نشان نداده بود و دولت‌مردان ایرانی که به دنبال قدرت سومی بودند تا به اتکای آن در برابر سلطه‌گری روس و انگلیس بایستند، لذا متخصصان این کشورها را ترجیح می‌دادند.

۲- «تاریخ روابط خارجی ایران»، ص ۳۳۹-۳۴۱.

۳- «جهادیه»، ص ۲۲ و ۴۱-۵۲؛ شوستر، اختناق ایران، ص ۲۳۸.

۴- نجفی قوجانی، «سیاحت شرق»، ص ۲۸۳-۲۸۵.



آخوند ملا محمد کاظم خراسانی  
(۱۲۹۰-۱۲۱۸ ش)

در سال ۱۲۱۸ ش. در مشهد متولد شد و در بیست و دو سالگی به تهران مهاجرت کرد. پس از مدتی تحصیل فلسفه، به نجف مشرف شد و دو سال محضر درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرد. آخوند خراسانی پیش‌تر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بود، اما خود نیز مستقلاً در نجف حوزه‌ی درس تشکیل می‌داد، و گفته می‌شود ۱۲۰۰ شاگرد از محضرش استفاده می‌کردند.

شهرت اصلی او در علم اصول است. کتاب «کفایة الاصول» که مرجع درسی مهم حوزه‌های علمی به‌شمار می‌رود، توسط وی نگاشته شده است. در اثنای نهضت مشروطه، آخوند خراسانی به حمایت معنوی از آن پرداخت و با صدور فتوا در ضرورت مشروطیت، باعث استحکام آن شد. او که در آن زمان مرجع تقلید عام شیعیان جهان بود، زمانی که در سال ۱۲۸۹ ش. روسیه، شمال ایران را اشغال کرد، با یاران خود و عشایر شیعی‌ی عراق، برای جهاد علیه اشغالگران روسی، آماده‌ی عزیمت به ایران شد، اما در شب قبل از عزیمت به ایران، به طرزی مشکوک، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

روس‌ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون‌های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ مرقد مطهر امام هشتم (ع) را به توپ بستند؛ از آذربایجان تا خراسان، نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقه‌ی زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند.<sup>۱</sup>

در این زمان، انگلیس نیز برای اشغال منطقه‌ی زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان وارد جنوب ایران کرد.<sup>۲</sup> سرانجام نیز، در سال ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲ م. این دو کشور سلطه‌گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهد.<sup>۳</sup>

۱- ن. ک: مدنی، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»؛ ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۳.

۲- سفیری، «پلیس جنوب ایران»، ص ۳۵.

۳- اتحادیه، «احزاب سیاسی در مجلس سوم»، ص ۳۶-۴۳.



## تاج‌گذاری احمدشاه

اندکی بعد از آغاز جنگ جهانی اول، احمدشاه در مرداد ۱۲۹۳ تاج‌گذاری و مجلس سوم شورای ملی نیز آغاز به کار کرد، اما شاه جوان و مجلس جدید نتوانستند ایران را از هجوم بیگانگان در امان نگاه دارند.

### جنگ جهانی اول و اعلان بی‌طرفی

در سال ۱۹۱۴ م / ۱۲۹۳ ش. جنگ جهانی اول میان دولت‌های فرانسه، انگلستان و روسیه در مقابل آلمان و امپراتوری اتریش – مجارستان آغاز شد. ایران از نظر سیاسی و اقتصادی کشوری بحران‌زده و در اشغال نیروهای بیگانه بود و توان بهره‌برداری از شرایط جنگ را نداشت. رئیس‌الوزرای ایران یعنی مستوفی‌الممالک اعلان سیاست بی‌طرفی کرد ولی در این کار موفقیتی به‌دست نیاورد؛ زیرا موقعیت حساس ایران برای نیروهای درگیر جنگ مهم بود.<sup>۱</sup>

#### فکر کنید و پاسخ دهید:

به‌نظر شما چرا دولت‌های روسیه و انگلیس به بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول توجه نکردند؟

از اواسط سال ۱۲۹۴ ش. روس و انگلیس (متفقین) بر آلمان و عثمانی (متحذین) در این منطقه چیره شدند و انگلیس با جلب موافقت روسیه، عبدالحسین میرزا فرمانفرما را که به طرفداری انگلیس شهرت داشت، به عنوان رئیس‌الوزرای ایران بر سر کار آورد و از این پس دولت ایران در برابر خواسته‌های ننگین و سلطه‌گرانه‌ی روس و انگلیس تسلیم شد. چون دولت عثمانی همسایه‌ی غربی ایران به متحذین پیوست، اهمیت کشور ما برای متفقین دو چندان شد. به همین دلیل انگلستان و روسیه قرارداد س‌ری ۱۹۱۵ م را با هم امضا کردند. طبق این قرارداد دو منطقه‌ی نفوذ در عهدنامه‌ی ۱۹۰۷، به منطقه‌ی اشغالی تبدیل شدند. روسیه منطقه‌ی تحت نفوذ خود را اشغال کرد و در مقابل، دولت انگلستان نیز در سال ۱۹۱۶ م. به تأسیس پلیس جنوب دست زد. فرماندهی پلیس جنوب به عهده‌ی سرپرسی سایکس<sup>۲</sup> بود. او با استفاده از این قوای نظامی توانست، مقاومت

۱- فن میکوش، واسموس لورنس آلمانی، ص ۱۶۳.

۲ - Sir Percy sykes

### بیش‌تر بدانید

#### امام و اشعار بهار

دفترچه‌ی شعری که از دوران نوجوانی امام خمینی برجای مانده است، نمایانگر آشنایی وی با مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی خود می‌باشد. اشعار این دفترچه حاوی سروده‌های شعرای مشهور آن زمان است. در بخشی از این دفترچه‌ی شعر که به خط امام در سنین ۹-۱۰ سالگی نوشته شده است، سروده‌ای از محمدتقی بهار، ملک‌الشعرا، به چشم می‌خورد که به حادثه‌ی اشغال قسمت‌هایی از مناطق شمالی و جنوبی ایران به‌وسیله‌ی انگلیس و روسیه و تشویق ایرانیان به قیام علیه بیگانه و دفع تجاوز پرداخته است. بخشی از این سروده چنین است:

های ای ایرانیان، ایران اندر بلاست  
ملک داریوش، دستخوش نیکلاست  
مرکز ملک کیان در دهن اژدهاست  
غیرت اسلام کو، جنبش ملی کجاست  
برادران رشید، برادریتان چه شد؟  
به عرصه‌ی رزمگاه دلاوریتان چه شد؟  
خضم به ما خیره گشت، خیره‌سیریتان چه شد؟  
به دشمن کینه‌جوی، کینه‌گرتان چه شد؟<sup>۲</sup>

در این دوران، دولت را به ظاهر شاه و مجلس تعیین می‌کردند، ولی در نهان توافق سفارت‌های روس و انگلیس شرط اصلی انتخاب نخست‌وزیر بود. در اکتبر ۱۹۱۷ م/ ۱۲۹۶ ش. حکومت تزاری روسیه در مقابل انقلاب بلشویکی شکست خورد و روس‌ها خروج سربازان خود از ایران را آغاز کردند؛ بنابراین انگلیس یکه‌تاز میدان سیاست ایران شد.

بدون تردید نهضت عدالت‌خواهی و مشروطه‌طلبی از نقاط عطف تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران است که آثار ماندگاری از خود برجای گذاشت. این نهضت نتیجه‌ی تجربیات طولانی مردم ایران در حفظ استقلال و سربلندی این کشور کهن بود. البته به دلیل مداخله‌های بیگانگان و عوامل وابسته به آن‌ها انحرافات در این نهضت به‌وجود آمد. نتیجه‌ی این انحرافات ظهور دیکتاتوری رضاخان و

۱- ن. ک: رکن‌زاده، آدمیت، فارس و جنگ بین‌الملل، ص ۵۲ و ۸۲-۹۰؛ سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۱۳۱؛ مدنی، تاریخ

سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۶ و ۲۰۳؛ راضی، پلیس جنوب ایران، ص ۲۳ و ۳۶.

۲- ن. ک: ملک‌الشعرا، بهار، دیوان شعر، ج ۱، ص ۲۵۷.

سلسله‌ی وابسته‌ی پهلوی در ایران بود. در درس‌های بعد با دخالت‌های انگلستان در ایران و قدرت یافتن رضاخان آشنا خواهید شد.<sup>۱</sup>

## برگی از تاریخ



### رئیس علی دلواری (۱۲۶۱ - ۱۲۹۴ ش)

رئیس علی، فرزند زایر محمد، در سال ۱۲۶۱ ش. دیده به جهان گشود. در تیراندازی و سوارکاری که لازمه‌ی زندگی دشوار آن روزگار بود، از خود استعدادی شگرف نشان داد. او به مراسم و واجب‌های دینی مقید بود و هیچ‌گاه در گرفتن روزه و به پا داشتن نماز، غفلت نمی‌کرد. رئیس علی این روحیه را با عشق به مردم درهم آمیخت و از همان نوجوانی و جوانی، به مسائل کشور، توجهی خاص نشان می‌داد.

فعالیت‌های سیاسی را از دوره‌ی مشروطه آغاز کرد. او با پیروی از آیت‌الله سیدمرتضی علم‌الهدی اهرمی، در دوره‌ی استبداد صغیر، قیام کرد و با همراهی دیگر مبارزان، بوشهر را به تصرف درآورد. با آغاز جنگ جهانی اول و حضور نیروهای انگلیسی در بوشهر مردانه قد برافراشت تا آن که به یک قیام عمومی دست یافت. حمله‌ی او در مرداد ۱۲۹۳ در بوشهر و غلبه بر دشمنان، ابهت انگلیس در ایران را درهم شکست و نام رئیس علی در هر کوی و برزن بر سر زبان‌ها افتاد، اما در یکی از حمله‌های بی‌امان خود به دشمن، توسط عوامل داخلی بیگانگان مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید. جنازه‌ی رئیس علی توسط مادرش به نجف اشرف منتقل و در منطقه‌ی وادی السلام به خاک سپرده شد.

شعر زیر که بر سر در خانه‌ی او حک شده است، نشانگر عشق او به امام علی (ع) است:  
ز تیغ شیر خدا چون رواج شرع نبی شد      از این سبب به همه مسلمین، رئیس علی شد

۱- به دلیل عمق ریشه‌ی نهضت دینی - ملی مشروطیت در بین ملت، بلافاصله پس از سقوط رضاشاه، شاهد رویش مجدد حکومت‌های نسبتاً مستقل‌تر و نزدیک‌تر به روح مشروطه در تاریخ دوازده ساله‌ی ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش. و ملی شدن صنعت نفت و تشکیل حکومت ملی در کشور بودیم. بدون تردید جمهوری اسلامی ایران نیز شکل تکامل یافته‌ی حکومتی است که از ابتدا مورد نظر پیش‌کسوتان و بزرگان نهضت مشروطیت نظیر آخوند ملاکاظم خراسانی، محمدحسین نائینی، شیخ فضل‌الله نوری، سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و سید حسن مدرس بوده است.

## پرسش‌های نمونه

- ۱- احمد شاه چگونه به سلطنت رسید؟
- ۲- سه نمونه از دخالت‌های روس و انگلیس در امور داخلی ایران را در دوره‌ی دوم مشروطه بنویسید.
- ۳- دولت روسیه در اختطاری که در سال ۱۲۹۰ ش. به ایران داد، چه درخواست‌هایی مطرح کرد؟
- ۴- چرا نیروهای بیگانه در جنگ جهانی اول علیرغم اعلام سیاست بی‌طرف ایران، کشور ما را اشغال کردند؟
- ۵- پیامد قرارداد ۱۹۱۵ م. چه بود؟

## اندیشه و جست و جو

- ۱- در زمینه‌ی مقاومت‌های مردمی در جنوب ایران در مقابل نیروهای انگلیسی در جنگ جهانی اول گزارشی تهیه کنید.
- ۲- در مورد دولت موقت ملی (دولت مهاجرین) که در زمان جنگ جهانی اول در کرمانشاه تشکیل شد، مطلبی تهیه کنید.